پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره چهل و سوم دوشنبه ۲۳ جدی ۱۳۴۷ ه‍ ۱۳ جنوری ۱۹۶۹ ع

نیروی دموکراتیک خلق افغانستان با ایمان راسخ و شجاعت کامل اعلام می‌دارد که تمام نیروی‌های صدیق ملی و دموکراتیک، ترقی‌خواه و وطن‌پرست افغانستان می‌توانند:

بدون غرور و بلند پروازی شخصی، رهبری، سازمانی و ایدیولوژیکی:
با موقف آزاد و مستقل ملی و بدون دنباله روی و اشاره و دستور این و آن نیروی ارتجاع داخلی و خارجی و طرفگیری ضد ملی، به شیوه جرگه‌های ملی، ولسی و وطنی، بر اساس مصالح عالیه ملی و توده‌های وسیع خلق ما در وطن عزیز ما افغانستان واحد، آزاد و مستقل، در چوکات اخلاق عالیه ملی مترقی:
به خاطر استقلال ملی، دموکراسی، ترقی، آزادی و عدالت اجتماعی، از طریق دریافت وجوه مشترک و تکیه بالای آن:
به‌وسیله طرح برنامه عمل فوری و حداقل مشترک و پیکار عادلانه مشترک، و بالاخره و با وحدت عمل ضد ارتجاع، استبداد، ضد استعمار کهن و نوین و ضد امپریالیزم، به بحران افتراق و نفاق در میان خود خاتمه دهند و وحدت و اتحاد را تأمین نمایند.

د وحدت او اتحاد تأمین

ضرورت

زمور په وطن کی د ضد ملی اوضد دموکراتیک اوسنی حاکمه نظام له استقرار نه کلونه تیریږی. او ددی په ارخ کی د افغانستان د وطنپالونکو او ترقی غوښتونکو قوتونو له خوا، د دی استبدادی نظام د طردولو او د یو ملی دموکراتیک نظام د استقرار د پاره پراخ مجاهدات شویدی. مګر له بده مرغه تر اوسه پوری تولو مجاهداتو ماته کړیده او ارتجاعی حاکمه طبقه هماغه راز خپل جابرانه تسلط ته دوام ورکوی. دلته یو پوښتنه پیدا کیږی چه د دی مجاهداتو په جریان کی د وطنپالونکو او ترقی غوښتونکو د ماتی علتونه څه دی؟

باید وویل شی د دی مقالی هدف، د ترقی غوښتونکو او وطنپالونکو قوتونو دله کامیابیدو د تولو عینی او ذهنی عللو او عواملو طرح نه ده، بلکه دلته د پورتنی پوښتنی په ځواب کی یوازی د دی مسالی یو مهم عامل د راتلونکو معضلو بحثونو لپاره د مقدمی په حیث څیړو.

دادنه کامیابیدو او ماتی مهم علت چه زمور په هیواد کی یی د مرتجعو او مستبدو حاکمه قوتونو عمر اوږده کړیدی. هغه انشعاب، افتراق او نفاق دی چه د هیواد د ملی او مترقی نهضت په بهیر کی د ترقی غوښتونکو او وطنپالو قوتونو ترمینځ پیدا شویدی.

مشهوره ده چه (اګوست بیل) په ۱۹ پیړی کی د آلمان د کارګری نهضت او دسوسیال دموکرات ګوند یو مشهور لارښونکی په رایشتاګ (دآلمان پارلمان) کی په ناڅاپی توګه د مجلس ښی لاس د نمایندګانو له چکچکو سره مخامخ شو. ده چه انتظار نه درلود د پارلمان مرتجع وکیلان د ده وینا تایید کاندی له ځان سره یی په لوړ آواز وویل: «ای احمقه بودا بیادی څه ګلان کړلی دی چه دا خناوران خوښی کوی.»

واقعیت دادی چه کله کله کیدی شی د دښمن له عکس العمل نه په حقیقت یو شو.

اوس تولوته ښکاره ده چه په ملی او بین‌المللی عرصه کی تول ارتجاعی حاکمه محافل او امپریالیستان ځنګه په مترقی او ملی نهضت کی د اختلاف له وجود نه خوشحاله دی او له هغه نه پخپله ګته بهره اخلی.

د اطلاعات او حقایقو سره سم همدا اوس د افغانستان حاکمه قدرت پر له پسی په دولت کی او له هغه نه د باندی د امپریالیستانو په توګه په تولو قوت او ضد انسانی شوٴنو په تولو وسایلو هڅه کوی چه د هیواد د ترقی غوښتونکو او وطنپالونکو قوتونو تر منځ اختلاف، انشعاب، تفرقه اونفاق زیات زور اودیر شدید کړی او دهغوی ترمنځ وحدت او اتحاد ناممکن کاندی او له خوشحالی نه ورته وناڅی. هغوی هر ورځ فعالیت کوی چه د تفتین، جاسوسی، افشاګری او د آزادی غوښتونکو او وطنپالونکو په صفوفو کی د راز راز درواغو، تورونو او بی اعتمادیو د خپرولو په وسیله د خپل عمر د بقا لپاره حد اکثر استفاده وکړی. داڅکه چه حاکمه ارتجاعی قدرت دا تجربه کړیده چه د ترقی غوښتونکو او وطنپالونکو، د ملی او دموکراتیکو فوتونو یعنی (د خلکو دوستانو) اتحاد

(۲ مخ)

کشتمند

وضع تأسف آور تولید غله و پنبه در کشور

زراعت به‌مثابه شعب کلیدی تولید مادی نقش بزرگی را در رشد تولید در ساحه های دیگر اقتصاد و رفاه مردم ایفاء می‌نماید، زیرا در مرحله کنونی تکامل علمی و تکتیکی، زراعت (که مالداری نیز شامل آن می‌باشد) عملاً یگانه منبع تولید مواد غذایی بوده و بر اساس رشد زراعتی است که صنایع سبک و مواد غذایی به وجود می‌آید و رشد می‌کند، اما وضع خیلی عقب مانده زراعت کشور ما قادر به ایفای چنین نقش رشد یابندیی نمی‌باشد. با وصف اینکه افغانستان به‌اصطلاح یک کشور زراعتی محسوب می‌گردد و پایه اساسی اقتصاد آن را تولید زراعتی تشکیل می‌دهد ولی مشخص سیمای این اقتصاد یگانه سطح نازل حاصل دهی کار و عقب ماندگی عظیم زراعتی است که به این وضع صادرات کشور نیز (که هم اکنون ۹۰ فیصد آن مشتمل بر مواد زراعتی می‌باشد) نمی‌تواند از لحاظ کمی و کیفی بهبود یابد.

از چندین سال بدین طرف علاوه بر ساحه تحت زرع، میزان حاصلات زراعتی نیز افزایش نیافته است که سیستم موجودیت مالکیت ارضی رشد بطی و فقدان زراعت تشدیدی و معمول بودن وسایل و شیوه کهنه مربوط به دو هزار سال قبل در زراعت کشور، باعث پایین آمدن سطح حاصلات زراعتی گردیده است. زراعت در افغانستان عمداً به شکل طبیعی و ابتدائی آن تا اکنون باقی مانده است. همین طوری که صدها و هزاران سال قبل مردم ما فقط امیدوار به لطف طبیعت بوده‌اند. اکنون نیز غالباً از آن قسمت‌ها برای کشت استفاده می‌گردد که به‌صورت طبیعی آماده باشد. در کتاب سومین پلان پنج‌ساله در این مورد اعتراف می‌گردد، که فعالیت‌های زراعتی اکثراً در وادی‌های دریاها و تراس‌ها به‌صورت عنعنوی و باکفایت تولید کمتر صورت می‌گیرد، بدین جهت از مجموع اراضی قابل زرع که در حدود ۱۴ ملیون هکتار و یا ۲۲ فیصد مجموع ساحه افغانستان می‌باشد، کمترین استفاده به عمل می‌آید و سیستم آبیاری همان سیستم هزاران سال قبل است. ازجمله کلیه راضی قابل زرع فقط، ۵، ۳ ملیون هکتار آن تحت آبیاری قرار دارد که آن‌هم بنا بر اعتراف حکومت «نسبت فقدان وسایل کافی آبیاری اراضی» (کتاب پلان سوم) فقط ۲، ۹ ملیون هکتار آن سالانه کشت و آبیاری می‌گردد.

با وصف اینکه بیشتر از ۹۰ فیصد اراضی زراعتی را کشت حبوبات و عمدتاً گندم تشکیل می‌دهد چنانچه به تنهای ۲، ۳ میلیون هکتار زمین یا ۸۰ فیصد مجموع ساحه ایکه سالانه آبیاری می‌گردد –گندم کشت می‌شود ولی مقدار حاصلات سالانه غله خیلی کمتر از مقدار مورد ضرورت مردم ماست.

بدین مناسبت همه ساله ۳۰۰- الی ۴۰۰ هزار تن گندم به این کشور به‌اصطلاح زراعتی از خارج وارد می‌گردد و هرگاه احتیاج روز افزون مردم را با در نظر گرفتن ۱، ۷۵ فیصد افزایش نفوس سالانه در نظر گیریم و حاصلات سالانه گندم را به معیار سال‌های قبل قبول نمایم (که با این وضع امید برای بهبود و افزایش آن نیست) میزان این کسر از یک سال تا سال دیگر بیشتر می‌گردد. وضع در مورد جواری و برنج و سایر غله‌جات که از مواد غذایی درجه دوم مردم ماست، به یک فیصدی و تناسب دیگر بدین منوال است.

در مورد پایین آمدن سطح حاصلات زراعتی و بالا رفتن قیمت مواد غذایی بخصوص غله بهتر است که به استناد نشرات خود حکومت و درین جا بر اساس نشریه وزارت پلان (پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی – سال ۱۳۴۶) نشان دهیم که «خرابی حاصلات و قلت مواد غذایی در سال‌های ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵ سعود قیمت مواد غذایی را بیشتر ساخت... » درین نشریه سپس ادعا می‌شود، «حکومت در پلان سوم اقدامات اولی را به انکشاف زراعت داده وسعی جدی‌تر به انکشاف زراعت در جریان است» واقعاً دلچسپ است که با وصف ((توجه بیشتر حکومت به انکشاف زراعت)) به‌طور مثال حاصلات پنبه از سال ۱۳۴۲ به این‌طرف بالترتیب از ۱۲۰ هزار تن به ۷۹/۷۵/۶۱ و بالاخره در سال ۱۳۴۶ به ۷۵ هزار تن پایین آمده است؛ یعنی تقریباً ۵۰ فیصد در تولید پنبه از سال ۴۲ تا ۴۶ تقلیل رونما گردیده است، به این صورت این ادعا خیلی درست (!) خواهد بود که از طرف حکومت سعی جدی‌تر به انکشاف زراعت در جریان است! دلچسپ اینکه تولید پنبه در سال اول پلان پنج‌ساله سوم (۱۳۴۵) -۶۹ هزار تن و در سال دوم آن (۱۳۴۶) - ۸۴ هزار تن پیش‌بینی گردیده است و به همین ترتیب برای سال‌های آینده رقم‌های بزرگتر قید و پیش‌بینی شده است که در سال اخیر پلان (۱۳۵۰) به‌اندازه ۱۱۶ هزار تن پخته به ظرفیت بیشتر از یکصد هزار تن پنبه خام و دستگاه‌های تیل کشی به ظرفیت پروسس بیشتر از ۷۰ هزار تن پنبه دانه در سال ساخته شده و یا در حال ساختمان است.

در کتاب پیشرفت پلان ۱۳۴۶ در زمینه کسر فاحش حاصلات پخته گفته می‌شود... حاصلات پنبه که قیمت آن با قیم مواد غذایی رقابت کرده نمی‌توانست پایان آمد بلی! در برابر قیمت‌های احتکاری خیلی بلند غله که

(ص ۲)

وزیر پلان چه می‌گوید ...؟!

(از بیانیه ښاغلی عبدالصمد حامد وزیر پلان در ایام جشن استقلال – شماره ۲۱ و ۲۲ سنبله روزنامه اصلاح)

- با حصول استقلال سیاسی، به حیث شرط اساسی جهت استقلال اقتصادی امکان آغاز به اقدامات انکشافی بمیان آمده.

سؤال: شگفت انگیز است! پس از پنجاه سال که از احراز استقلال سیاسی کشور می‌گذرد، اکنون فقط جهت تثبیت استقلال اقتصادی، امکان آغاز به اقدامات انکشافی به وجود آمده است. پس ادعاهایی که در بیانیه و نشرات حکومت، من‌جمله درین بیانیه شاغلی وزیر پلان مبنی بر انکشاف اقتصادی و غیره صورت گرفته است، چگونه صدق پیداکرده می‌تواند؟

- «به‌صورت مقایسه با اکثر دول هم سویه می‌توان خصوصیت انکشاف کشور را درین ملاحظه نمود که در طول این مدت حکومات وقت به شکل مبتکرانه و فعال قیادت این حرکات انکشافی را به عهده داشتند»

-سؤال: هرگاه منظور از اکثر کشورهای همسایه افغانستان، ...برخی از کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره سابق آسیایی، افریقایی و امریکای لاتین باشد. باید گفت که از یک طرف این کشورها در زیر یوغ استعمار وحشیانه کشورهای استعمار گر و تحت پاشنه آهنین حکومات مطلقه غیر ملی و سیستم‌های ازلحاظ اقتصادی و سیاسی وابسته به امپریالیزم، از رشد سریع اقتصادی باز ماندند، مقایسه افغانستان با آن‌ها خود اعتراف به این امراست که کشور ما نیز در تحت چنین شرایطی نتوانست راه تکامل و سریع اقتصادی را در پیش گیرد. و از جانب دیگر آیا صحیح است که رشد بطی و محدود جامعه را ناشی از ابتکار و قیادت حکومات وقت دانست؟ حقیقت امر این است که حکومات وقت غالباً از پنجاه سال به این‌طرف که از استقلال سیاسی کشور می‌گذرد، به نمایندگی از طبقات حاکمه، مانع رشد اقتصادی کشور گردیده‌اند، نه محرک رشد آن. بدین جهت اکنون افغانستان در آخرین صفوف کشورهای کم رشد و عقب مانده جهان قرار دارد. هرگاه حکومات ملی و مترقی در کشور ما درین مدت استقرار می‌داشت امکانات وسیع برای رشد سریع اقتصاد و فرهنگ جامعه میسر بود چنانچه حکومات ملی در کشورهایی چون کیوبا، جمهوریت عربی متحد، سوریه، برما، الجزایر و غیره در مدت خیلی کوتاه‌تر توانستند راه را برای رشد سریع اقتصاد و فرهنگ جامعه هموار سازند.

پس سؤال درین جاست که منظور از کشورهای هم سویه کدام‌ها اند که با مقایسه آن‌ها حکومات وقت افغانستان به شکل مبتکرانه و فعال قیادت حرکات انکشافی را به عهده داشتند؟

- «باید در نظر داشت که تمدن امروز جهان به شمول غرب که انکشاف مدرن اقتصادی در چوکات آن میسر است، دیروز برای ما کاملاً یک احساس بیگانه بود و برخورد خصمانه و تجاوز کارانه نمایندگان دیروز آن موقف منفی مردم ما را در مقابلش باز هم شدیدتر می‌ساخت و حتی امروز هم برای بعضی مردم ما فهم آن را دشوار می‌گرداند.»

-سؤال: وضع موجود کشورهای کم رشد جهان و بخصوص تجارت آن کشورهایی که رشد اقتصادی رااز طریق غیر سرمایه‌داری در پیش گرفته‌اند، ناصحیح بودن این ادعای شاغلی وزیر پلان را که می‌گوید: »انکشاف مدرن اقتصادی «در چوکات تمدن امروز جهان به شمول غرب میسر است ثابت سازد. تمدن امروز جهان شمول غرب که در بدل قربانی‌های عظیم بشریت تحت ستم و فشار و خون ملیون‌ها انسان کشورهای آسیایی، افریقایی و امریکای لاتین بدست آمده و هنوز بوی خون و گوشت می‌دهد، استقرار آن دگر برای هیچ کشوری حتی کشورهای غرب میسر نیست.

اعتراف صحیح است که برخورد خصمانه و تجاوز کارانه غرب متمدن باعث برانگیختن قهر مردم در برابر آن گردیده است و باید چنین باشد؛ اما این طرفه رفتن که تمدن امروز جهان‌شمول غرب، دیروز برای مردم ما یک احساس بیگانه بود چنین مغنی دارد؟

- در اثر رجوع بیشتر مردم به معارف و تشویق حکومات وقت، توسعه معارف پیش از تخمین پلان دوم صورت گرفت و تعداد متعلمین دوچند شد و همچنین تربیه یک تعداد زیاد کارگر ماهر در چوکات پروژه‌ها قابل تذکار است.

- سؤال: موجودیت ملیون‌ها کودک و هزاران هزار جوان که باتحمل مشکلات و محرومیت‌های عظیم آماده فراگرفتن تعلیمات ابتدایی و ادامه تعلیمات عالی‌تر هستند، نشان دهنده این حقیقت است که حکومات وقت توسعه معارف را تشویق نکرده‌اند و اینکه گفته می‌شود تعداد متعلمین پس از مدتی دوچند شده است، (ارائه چنین ارقام در شرایط کشورهای عقب مانده، بیشتر ماهیت عوام‌فریبانه دارد). همیشه به معنی آن نیست که کار بزرگی انجام گردیده باشد. به‌طور مثال: هرگاه دریکی از ولایات کشور علاوه بر موجودیت یک مکتب متوسط، یک متوسط دیگر تأسیس گردد و آنگاه ادعا شود که تعداد

(ص ۲)

په پښتونستان کی توره هفته پای ته

ورسیده

له پیښور نه رارسیدلی خبرونه وایی چه دنشنل عوامی پارتی له خوا اعلان شوی توره هفته په پښتونستان کی پای ته ورسیده.

نشنل عوامی پارتی دهغه ګوند دمشر خان عبدالولی خان، دګونو دعمومی نایب سکرتر ښاغلی اجمل خټک اود سرحد نشنل عوامی پارټی د صدر ښاغلی ارباب سکندر خان اونورو مشرانو دبندی کیدو په ضد د احتجاج په ډول د دسمبر له ۲۴ نیټی نه په تول پښتونستان کی توره هفته اعلان کړی وه.

په دی هفتی کی دنشنل عومی پارټی له خوا دپښتونستان بیلوبیلو برخوته هیتونه استول شوی وو. پدغی هفته کی چه دپښتونستان دخلکو دپاره یی دملی ماتم حیثیت درلود دپښتونستان تولو ښارو نو کښی جلسی اوجلوسونه روان وو. په جلسو کی دنشنل عوامی پارټی مشرانو له خوا په پشور او بلوڅو باندی دپاکستان دحکومت له خوا دظلم اوستم په بارکی جدی اوانقلابی وینا وی وشوی او دپښتونستان په موضوع باندی رنا واچوله شوه. په هره جلسه او په هرجلوسو کښی دپښتونستان دملی مشر خان عبدالغفار خان په طرفداری نعری وهل کیدی.

خلکو د نیشنل عوامی پارټی د مشرانو د خلاصولو، د آزادی او دموکراسی غوښتنه کوله. رسیدلی خبرونه وایی چه په پښتونستان کښی د کوچنی اختر ورځی هم د ماتم د اختر په نامه ونامنځل شوی.

مور د خپلو پښتونستانیانو خلکو او ورونو سره ځان بدغه ماتم کښی شریک بولو او...ورکوو چه هیڅ کله به دوی د ژوند په دغه ترخو ورځو کی یواځی پری نږدو.

بارق شفیعی

هنر و نقش آن در زندگی

و مبـــارزه اجتـمـــاعی

از نظرگاه جهانبینی علمی

-۲-

هنر وقتی با او تار احساسات لطیف انسان به‌درستی درمی‌آمیزد و آهنگ محبت او را نسبت به خود به گرمی بر می‌انگیزد که بتواند مطالبات هنری‌اش را ارضا نماید، آن را رشد و تکامل دهد و برای خویش در قلب و روحش جاخالی کند و آن را به عشق کار و مبارزه برای تأمین رفاه آزادی و آبادی جامعه به تپش و تلاش آورد؛ اما این امر میسر نیفتد مگر آنکه بتواند بر زیبایی در دنیای خارج در واقعیت خارج دست یابد. آن را تعمیم دهد چون نمونه هنری به جلوه در آورد و شکل هنری به او انتقال دهد.

معهذا این هنر تا هنگامی فرزند صالح همسفر صدیق و رهنمای روشن بین جامعه است که استنباط زیبایی از دنیای خارج تعمیم و جلوه نمونه وار هنری‌اش به‌وسیله آن و انتقالش به شکل هنری به دیگران با تکامل واقعیت عینی جامعه در انطباق باشد و با جریان واقعی تکامل در تضاد نیفتد، که متأسفانه در جامعه طبقاتی همیشه چنین نیست و پدیده‌های هنری بیشتر مثل حقیقت نبوده و علی الاکثر تحریف واقعیت بسود منافع طبقاتی است؛ زیرا در جامعه طبقاتی شعور اجتماعی بهر شکلی که تجلی کند خصلت طبقاتی پیدا می‌کند. مجموع نظریات و افکار سیاسی، حقوقی، اخلاقی و هنری ...طبقه معین ایدیولوژی او را تشکیل می‌دهد...طبقات انتاگونستی جامعه به هیچ وجه موقعیت یکسان و همانندی ندارند. در برابر آن‌ها هدف‌ها و وظایف مختلفی در حیات اجتماعی و در جامعه طبقاتی مصداق پیدا کرد. هنر به خاطر اینکه توانائی آن را دارد که در ژرفای روان انسانی نفوذ کند. بر اندیشه‌ها اثر گذارد، احساسات را برانگیزد و به دسترس همه قرار گیرد. در عرصه مبارزه ایدیولوژیک سلاح نیرومند مبارزه طبقاتی است و به همین جهت هم هر طبقه به ایجاد هنری علاقه‌مند است که بدرد تأمین منافع طبقاتی ارضای مطالبات هنری غلبه و استحکام ایدیولوژی او بخورد چون ایدیولوژی مسلط در جامعه طبقاتی ایدیولوژی طبقاتی است که ازلحاظ اقتصادی و سیاسی حکومت می‌کند »لهذا نقد رایج هنر نیز در بازار رقابت‌های ایدیولوژیک به نفع متاع طبقه حاکمه به دوران می‌افتد و تا زمانی اعتبار دارد که به‌نوبه خود با سیر انکشاف نیروهای تولیدی و مناسبات مادی جامعه در تضاد واقع نشود. ولی همین‌که در چنین وضعی قرار گرفت دگر ارزش واقعی ندارد و عرصه حقیقت فریبنده آن، تقاضاهای تکامل واقعیت عینی را جواب داده نمی‌تواند و از سیر درنگ ناپذیر جریان تغیر زندگی اجتماعی عقب می‌ماند زیرا طبقه‌یی که این هنر نماینده ایدیولوژی اوست، نقش مترقی خود را در جریان تکامل از دست می‌دهد و دیگر منافع او با پروسه واقعی تکامل در تضاد می‌افتد و جبراً به زوال می‌گراید. ولی این عقب ماندگی هنر به معنی اضمحلال کامل آن نیست. بلکه هنر درین مرحله مستقل از جریان عینی تکامل به وجود خود ادامه می‌دهد و استقلال نسبی کسب می‌کند و طبقه حاکم و استثمارگر برای حفظ موقعیت متزلزل خویش آن را بیشتر مورد استفاده قرار می‌دهد؛ اما چون این هنر که دورانش به سررسیده توان انعکاس صادقانه واقعیت و ایفای رسالت تاریخی خویش را از دست داده است، نمی‌تواند عناصر جدید جریان نوین واقعیت زندگی اجتماعی را که دگر تغیر کرده و درست در جهت مخالف منافع طبقه حاکمه در حال زوال سیر می‌کند، به‌درستی انعکاس دهد. لهذا بیمار است مگر به‌زودی نمی‌میرد و برای بقای خویش دفاع از منافع طبقه حاکمه در برابر رشد سرسام آور و آهنگ سریع تسلط طبق جدید با استفاده از کلیه و سایر تأثیر ایدیولوژیکی که در اختیار دارد مانند مطبوعات تیاتر، سینما، رادیو، تلویزیون و غیره به راه زنی و سم پاشی می‌پردازد. واقعیات را تحریف می‌کند، آرایشگر آن می‌شود وبر آن بیراهه‌های فریبنده می‌بندد، دروغ، لاف زن، سالوس، متمتع، هوس‌باز، ثناخوان و مدیحه سرا و توهم پرست و گمراکننده می‌شود. به ناموس تکامل ارجی نمی‌نهد. دید شخصی هنرمند و آزادی هنرمند را مطلق می‌کند و در برابر آن »وصف عینی واقعیت «و نظارت اجتماعی در هنر مجنونانه پشت پا می‌زنند، تا توانسته باشند طبقات محکوم و استثمار شونده ولی محرکین واقعی تکامل زندگانی اجتماعی را ازنظر ایدیولوژیکی خلع صلاح کند و توجه و احترام آنان را

(ص۳)

به‌دلخواه ملاکین بزرگ فیودال، سودخوران و محتکرین دلال تعین می‌گردد. حکومت نه تنها قیمت‌ها را به‌طور مؤثر کنترول نمی‌نماید، بلکه خود نیز از این قیمت‌های احتکاری تبعیت کرده و بهترین طریق افزایش در حاصلات پخته را، افزایش در قیمت خرید پخته دانسته است. چنانچه در کتاب پیشرفت پلان برای سال ۴۶ گفته می‌شود: »در قیمت پنبه برای زارعین در حدود ۴۰ فیصد و در قیمت پشم و قرقل ۱۰ فیصد ازدیاد تعین شده است تا بدین ترتیب مواد صادراتی زراعتی با حبوبات غذایی و رقابت کرده بتواند؛ و طوری که در سال ۱۳۴۶ واقع شد صادرات این اقلام تنزیل ننماید.«

نتایج نشان می‌دهد که واقعیت غیر از این است، زیرا اولاً قسمت اعظم این عاید اضافی از طریق افزایش در قیمت پخته خام نه تنها بدست دهقانان نمی‌رسد، زیرا ثمره کار آن‌ها را عمدتاً زمین‌داران بزرگ، سودخواران و جلابان به غارت می‌برند و در برابر، دهقانان مجبور خواهند بود که قیمت‌های بلند برای مایحتاج خویش

از (ص اول)

وزیر پلان چه می‌گوید...

مکاتب متوسط در آن ولایت دوچند شده است آیا می‌تواند نمایندگی از توسعه سریع معارف نماید؟ درحالی‌که حداقل در ولایت مربوطه شاید ده‌ها مکتب متوسط ضرورت باشد؟

این امر صحیح است که در چوکات پروژه‌های بزرگ پلان دوم یک تعداد زیاد کارگر ما هر تربیه گردیده است؛ اما سؤال جدی درین جاست که سرنوشت این لشکر کارگران ماهر که اکنون بیکار اند چه می‌شود؟ آیا پروژه‌های سریع الثمر اقتصادی! شما می‌توانید این همه نیروی کار مساعد ذخیره را جذب کند؟

از (ص اول)

وضع تولید غله و...

بپردازند، بلکه این امر مشکلاتی را برای صادرات پخته و تأثیرات آن بر تولیدان نساجی، نخی بار میاورد که باز هم مستهلکین مردم آن را خواهند پرداخت و ثانیاً هرگاه به این وسیله در محصول پخته تا حدود افزایش به عمل آید، به این معنی خواهد بود که قسمت از اراضی تحت زرع گندم و سایر غله جات و حبوبات نیل دار، اکنون برای کشت پنبه تخصیص داده می‌شود و این امر تأثیر معکوس بر تولید غله و بخصوص گندم دارد، که در نتیجه موجب قلت و افزایش بیشتر قیمت آن می‌گردد.

وزارت زراعت با تمام عرض و طول، مصارف بزرگ، تبلیغات وسیع، تخصیص بهترین زمین‌های زراعتی بنام فارم های تجربوی و تحقیقاتی که دارای وسایل کافی می‌باشد، اما از آن‌ها بیشتر استفاده شخصی به عمل میامد – عوض آنکه حد اقل وسایل و طرق را از قبیل پیدا کردن و تامیم انواع جدید پنبه دانه بذری دارای حاصلات زیاد، بکار بردن اصول اکر و تکنیک، سیستم معقول آبیاری و تطبیق صحیح کود، رهنمایی صحیح دهقانان بو اصول زراعت و غیره وسایل ضروری را بکار برد تا حاصلدهی فی واحد زمین تحت کشت پخته افزایش یابد، به چنین وسیله ساده و غیر مؤثر به غرض دفع الوقت دست میزند.

در چنین وضعی که دهقانان با قلبه‌های چوبی، پارچه‌های کوچک زمین را کشت می‌نمایند و به ازدیاد محصول، از آنجایی که بر اساس سیستم مالکیت ارضی حاصل کار و دسترنج شان به خود آن‌ها تعلق نمی‌گیرد، نمی‌توانند علاقه‌مند گردند، وسایل و امکانات استفاده از سیستم‌های معقول و عصری زراعت میسر نیست، طبیعی است که حاصلات فی جریب در سطح

(د لمړی مخ پاتې)

د وحدت او اتحاد تأمین ...

او وحدت مستقیما متناسب دی د هغوی (د خلکو دښمنانو) له طرد او اضمحلال سره.

مګر د ملی او اجتماعی آزادی ببنونکو نهضتونو د تاریخ تجربه یی چه ستر هدف ته رسیدل یعنی په هیواد کی د ستمګر او استثمارګر نظام پای ته رسول د ترقی غوښتونکو او وطنپالونکو قوتونو د وحدت او اتحاد عنصر ته ضرورت لری. خو له بده مرغه د مبارزی د دی پرمختکونو تولو د وحدت او اتحاد کار زمونږ په هیواد کی، د نهضت د اوسنی مرحلی په سرکی یه کلک بحران اخته شویدی. او دا ددی لپاره چه د هیواد ترقی غوښتونکی وطنپالونکی قوتونه د دی پر خای چه سترو ملی او اجتماعی هدفونو ته د رسیدو لپاره د اشتراک پر وجوه تکیه وکړی او په اوسنیو اوضاعو او احوالو کی د وحدت او اتحاد چاره مقدمه وشمیری. زیادتره د افتراق او نفاق وجوه په نظر کی نیسی او د عمل وحدت نفی کوی.

په لوړ آواز اعلان کیږی چه: باید د دی حیاتی او مهمی نکتی ته ژوړه توجه وشی چه د ارتجاعی قوتونو د ناټاپی یرغل او تعرض د واقعی خطر په مقابل کی، بی اعتنایی چه هره شیبه د ریښتینو ملی او دموکراتیکو قوتونو په مقابل کی مقدور دی دیره ستره اشتباه ده.

لویه بدبختی دا ده چه د نهضت اوسنی انکشاف ځومره چه د ترقی غوښتونکو او وطنپالونکو قوتونو تر مینځ نفاق او افتراق راپیدا کړیدی د دی پخلاف یی د حاکمه ارتجاعی طبقاتو تر مینځ د وحدت او اتحاد زمینه پیاوړی کریده، باید وویل شی د حاکمه قدرت د ناټاپی حملی خطر، له یوی خوا د خلکو د دوستانو دهمدی افتراق او نفاق له کبله او له بلی خواه د خلکو د دښمنانو (ارتجاع او امپریالیزم) د اتحاد او زیاتیدونکی هوښیاری له کبله او ددی لپاره چه ورځ تر ورځی د نهضت دضد تاکتیکونو په تجروبو تجهیز کیږی، ډیر زیاد شویدی.

ددی نفاق او افتراق مسأله او طبیعی نتیجه داده چه خلکوته ضرر رسیږی او دخلکو دښمنان ګته کوی. د دی لپاره چه د دی نتیجی د تحقق واقعی علت له منځه لاړشی، ضرورت حکم کوی چه باید ژر تر ژره د اوسنی افتراق او نفاق په بحران برشو او وحدت او اتحاد تأمین کړو.

د افغانستان د خلکو دموکراتیک قوت په مبارزه کی د خپلی سختی ولی ویاړ جنبی وظیفی ځخه، د وحدت او اتحاد د تأمین په خاطر د نرمی منونکو اصولو په چوکات کی خبر دی او له تولو وحدت طلبو او اتحاد غوښتونکو قوتونو سره به په شجاعت او زړورتیا او له اصولی ګذشت سره یوځای خپل سهم په دی زمینه کی ایفا کړی.

مونږ کلک ایمان لرو چه کیدی شی د ملی او ولسی جرګو په توګه د یو افغانی وحدت او اتحاد ترمیز را وځرخیږی او د ګډو وجوهو د پیدا کیدو د حداقل مشترک پروګرام د طرحی له لاری او د ارتجاع، استبداد استعمار او امپریالیزم پر ضد د مشترک عمل او وحدت عمل په وسیله دنفاق او افتراق په بحران باندی بری میسر شی.

* * *

یاداشت:

ګران لوستونکی دی د پرچم متعددو ګنو ته چه د ترقی غوښتونکو او وطنپالونکو ملی او دموکراتیکو قوتونو د وحدت او اتحاد د ضرورت به باره کی یی په مستقیمه او غیرمستقیمه توګه په لسهاوو مقالی لیکلی دی مراجعه وکړی. مونږ په بیا هم د پورتنیو قوتونو د وحدت او اتحاد په خاطر خپل علمی او مشخص بحثونه تعقیب کړو.

بسلسله حقوق اقتصادی و اجتماعی کارگران

آسه مائی

بیمه‌های اجتماعی

- ۱ -

تأمینات اجتماعی سیستمی از موازینی است که توسط جامعه اتخاذ می‌گردد، تا نیازمندی‌های حیاتی افراد برآورده گردد. وسایل جبران بیکاری، معیوبیت، بیماری؛ پیری، حاملگی، مرگ اعاشه کنندگان فامیل می‌باشد. انواع مختلف تأمینات و بیمه‌های اجتماعی برای کارگران مأموران دولتی و مؤسسات و سایر زحمت کشان می‌تواند وجود داشته باشد. ولی موضوع بحث ما درین جا بیمه‌های اجتماعی برای کارگران می‌باشد. در افغانستان بیمه‌های اجتماعی برای طبقات و اقشار محروم جامعه ما، بخصوص کارگران کشور وجود ندارد. چند ماده ناقصی که درین مورد در قانون کار کهنه و عهد عتیق افغانستان گنجانیده شده است نتنها به هیچ صورت نمی‌تواند نمایندگی از حد اقل تأمینات اجتماعی برای کارگران بنماید، بلکه موازین ناقص مزبور غیرعادلانه و به نفع کارفرمایان و صاحبان فابریکات می‌باشد، تا به نفع کارگران.

بیکاری به‌طور روز افزونی چون بیماری مزمن و ساری سرتاپای جامعه را فرا می‌گیرد، اما دولت خود را مکلف به تأمین کار برای کارگران بیکار نمی‌داند و بیمه در برابر بیکاری وجود ندارد.

تأمینات اجتماعی بالاتر از همه مسایل حقوقی تقاعد می‌باشد که از این طریق کارگران و اعضای فامیل شان، حقوق تقاعد در برابر پیری، معیوبیت و یا مرگ اعاشه کنندگان فامیل را بدست می‌آورند.

ولی در افغانستان، عملاً از حقوق تقاعد، این عمده‌ترین شکل بیمه‌های اجتماعی اصلاً جبری نیست. کارگر تا وقتی که جوان است و نیروی کار وی زایل نگردیده است مورد بهر کشی وحشیانه قرار می‌گیرد، اما هنگامی‌که تمام شیره جانش مکیده شد و نیروی لازم کار را از دست داد از کارگاه و فابریک رانده می‌شود، بدون اینکه هیچ گونه تأمینی برای آینده خود و فامیلش داشته باشد.

بیمه صحی برای کارگران اصلاً وجود ندارد و در بعضی مؤسسات هرگاه موجود باشد خیلی ناقص و محدود است. کارگر هنگامی‌که مریض می‌گردد نتنها از طرف مؤسسه مربوط تحت تداوی قرار داده نمی‌شود، بلکه در ایام بیماری علاوه بر عدم دریافت مزد، به‌طور ظالمانه از کار نیز اخراج می‌گردد.

موازین ناقصی که در قانون کار در افغانستان در برابر معلولیت و صدمات وارده کارگران قید گردیده است فوق‌العاده غیرعادلانه می‌باشد. به‌طور مثال جبران خساره که در مقابل از دست دادن هردو پا، هردو بازو و هردو چشم کارگر در اثر انجام کار تعین گردیده است بین حد اکثر دوازده هزار و حداقل چهار هزار افغانی می‌باشد که هرگاه کارفرما حاضر شود چنین پولی را بپردازد حد اقل آن خواهد بود وآن صرف چهار هزار افغانی برای یکبار و همیشه در برابر از دست دادن دوپا، دو بازو و یا دو چشم و دو هزار افغانی در برابر یک چشم می‌باشد. مثال دیگر در صورت از دست دادن تمام انگشتان هر دو دست خود یک کارگر می‌تواند فقط سه هزار افغانی بدست آورد و در برابر از دست دادن گوش خود فقط یک هزار افغانی (این هم در عمل بسته به لطف (!) کارفرماست که حاضر به پرداخت آن باشد). و ده‌ها مثال دیگر.

من‌حیث پرنسیپ بیمه‌های اجتماعی عبارت از موازینی است که توسط آن قسمتی از عواید ملی وقف نیازمندی‌های لازمی مردم می‌گردد.

خدمات مجانی و کمک‌هایی را که کارگران از طریق بیمه‌های اجتماعی می‌توانند دریافت دارند، به‌طور قابل ملاحظه عواید واقعی بخصوص آن عده از کارگران را که مزدهای شان کم است افزایش می‌دهد با تعقیب یک سیاست صحیح در مورد بیمه‌های اجتماعی امکانات آن به وجود می‌آید که نتنها با استفاده از وجوه اجتماعی سطح زندگی کارگران پیوسته ارتقا یابد، بلکه سویه‌های زندگی اقشار مختلف زحمت کشان بالنسبه هم طراز گردد.

طبقه جوان کارگر افغانستان به پیش‌آهنگی تمام خلق کارگر کشور باید توأم با مبارزه برای ایجاد اتحادیه‌های کارگری زمینه تأمین بیمه‌های اجتماعی را مطابق به موازین و پرنسیپ‌های اصولی و دموکراتیک آن (که در شماره آینده طرح می‌گردد) تدارک ببینند.

نازل قرار می‌گیرد. در سال ۱۳۴۶ از مجموع اراضی تحت زرع که ۵۵ هزار هکتار زمین بود فقط ۵۷ هزار تن پخته بدست آمده است؛ یعنی از قرار فی جریب در حدود ۲۰۰ کیلوگرام و این پایین‌ترین سطح حاصلدهی فی جریب زمین است در حالی که در کشورهای دیگر تقریباً با عین شرایط جوی و اقلیمی، ترکیب خاک و غیره اما در شرایط اجتماعی و اقتصادی دیگری فی جریب زمین ۶۰۰ – ۸۰۰ کیلوگرام پنبه با جنسیت اعلی حاصل می‌دهد.

در خاتمه یکبار دیگر اظهار می‌داریم (طوری که در باره مسأله ارضی قبلاً در پرچم تحلیلاتی صورت گرفته و راه‌های حل علمی آن نشان داده شده است) تا نظام اجتماعی – اقتصادی به موجود کشور ملغی نکردد و سیستم منسوخ کنونی در زمینه ارضی ریشه کن نشود و اصلاحات اساسی و عمیق ارضی به نفع دهقانان و به اشتراک آنان، بر مبنای جنبش دهقانی اجرا نکردد و تکنیک جدید زراعتی معمول نشود، شیوه کنونی هیچگونه امیدی برای ارتقای تولیدات زراعتی به راه

کمک مالی به نشریه پرچم میتواند راه را برای انتشار منظم آن هموار سازد

-۲-

اسناد شورای صلح جهانی

فیصله شورای جهانی صلح راجع به شرق میانه

این حقیقت که امپریالیست‌ها مجبور شدند بمباردمان خود را بر جمهوری دموکراتیک ویتنام قطع نمایند و به وجود جبهه آزادی ملی ویتنام اعتراف کنند و آن را بشناسند، پیروزی بزرگی برای نیروهای صلح بشمار می‌رود. ولی اوضاع در شرق میانه روبه خرابی می‌گراید ونشان بدهد که این پیروزی معنی آن را ندارد که امپریالیست‌ها از سیاست تجاوز دست بردار شده‌اند، بلکه برعکس آن‌ها به استراتیژی خود که مقصد آن افزایش کشیدگی در دیگر حصص جهان و به وجود آوردن تصادمات محلی می‌باشد، کماکان ادامه می‌دهند.

آن‌ها تلاش‌های خود را در راه مختنق ساختن جنبش آزادی‌بخش اعراب و بکار بردن اسرائیل به حیث آله اجرای این مقصد، تعقیب می‌نمایند. از همین جهت است که ایالات متحده امریکا و آلمان غرب کمک‌های نظامی و اقتصادی‌شان را پیوسته به اسرائیل زیاد می‌کنند.

آلمان غرب اسرائیل را در مساعی‌اش برای ساختن یک سلاح اتومی فعالانه معاونت می‌نماید ولی با در نظر داشتن همین سلاح است که اسرائیل از امضای قرار دارد منع انتشار اسلحه زروی سرباز میزند و به این صورت نیات مغرضانه خود را هرچه بیشتر به اثبات می‌رساند. کیفیت اسلحه جدید ایکه برای اسرائیل تهیه گردیده پرده از روی نقشه‌یی برمی‌دارد که هدف آن تخریب مراکز صنعتی، مناطق پر نفوس و تمام آنچه را که کشورهای عربی بعد از احراز استقلال بدست آورده‌اند می‌باشد.

حکومت اسرائیل از پذیرفتن نماینده ملل متحد به‌منظور تحقیق شرایط اعراب در مناطق تحت اشغال، که به‌طور روز افزون مورد ستم قرار می‌گیرند، امتناع می‌ورزد.

بیانات رهبران اسرائیل و همچنان اعمالی که از آن‌ها سر میزند، خطری را که از ناحیه اسرائیل وجود دارد، به‌خوبی آشکار می‌سازد. اسرائیل پیوسته مرتکب تجاوز می‌شود. باید نیروهای صلح جهان از چنین تجاوزات جلوگیری نمایند و فعالیت شان را درراه از بین بردن آثار تجاوز ماه جون ۱۹۶۷ توسعه دهند.

دول عربی که به تاریخ ۵ جون ۱۳۶۷ مورد تعرض اسرائیل واقع شدند همواره به مساعی‌شان درراه از بین برده آثار تجاوز ادامه می‌دهند.

مبارزه سیاسی و مبارزه مسلحانه در مناطق اشغال شده افزایش میابد و به عامل مؤثری درین منطقه تبدیل می‌شود. جنبش مقاومت اعراب فلسطین بخشی از جنبش عمومی آزادی‌بخش ملی ضد امپریالیستی، ضد تبعیض نژادی و ضد تجاوز می‌باشد که جنبش مقاومت ضد نازیزم را به یاد می‌آورد. ذهنیت عامه به‌طور روز افزون سیاست صهیونی حکمروایان اسرائیل را که به ضد امپریالیزم خدمت می‌نمایند محکوم می‌کند، وی در عین زمان به هیچ صورت سیاست صهیونی را با یهودیان از نظر مذهب و مبدأ یکی نمی‌داند.

فیصله ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت که به اتفاق آرا به تصویب رسید یگانه راه حل ممکن سیاسی بحران شرق میانه را نشان می‌دهد. فیصله نامه شورای امنیت بیرون کشیدن عساکر اسرائیل را از تمام مناطق اشغال شده تقاضا می‌کند و تضمیناتی را برای حفظ حقوق و امنیت تمام ملت‌ها و دول این منطقه تهیه می‌بیند.

فیصله نامه شورای امنیت حقوق مشروع مردم فلسطین را به رسمیت می‌شناسد و اصرار می‌کند که باید پرابلم مهاجرین فلسطین به‌طور عادلانه حل گردد.

دول عربی موافقت شان را به این فیصله شورای امنیت اظهار داشتند. از جانب دیگر اسرائیل از اجرای این فیصله نامه شورای امنیت وهم از فیصله ملل متحد راجع به بیت‌المقدس ابا می‌ورزد و به این صورت شرق میانه را با جنگ جدیدی که امکان دارد صلح جهان را به خطر بیندازد تهدید می‌کند.

اشغال دوامدار مناطق مربوط به اعراب از طرف اسرائیل منافع بسیاری از کشورهایی را که اقتصادیات شان با کانال سویس ارتباط دارد و سیاست اسرائیل مانع باز شدن مجدد آن‌ها می‌گردد متضرر می‌سازد.

کمیته ریسه شورای جهانی صلح که از ۱۱ تا ۱۳ نوامبر ۱۳۶۸ در لاهیتی واقع فنلند تشکیل جلسه داد که از تمام مردم صلح دوست جهان درخواست می‌نماید که مساعی‌شان را درراه تشریح حقایق راجع به وضعیت شرق میانه و چگونگی ارتباط آن با استراتیژی امپریالیزم افزایش بخشند و به خلق‌های عرب در مبارزه عادلانه‌شان کمک نمایند و افکار عامه جهان را به پشتیبانی از خواست خاص ذیل متحد سازند:

- در مرحله اول اجرای فیصله نامه ۲۲ نوامبر ۱۳۶۷، عقب کشیدن عساکر اسرائیل از مناطق تحت اشغال.

شورای جهانی صلح، با در نظر داشتن تمام حقایق فوق‌الذکر و جستجوی مساعی مؤثر به غرض دریافت حل صلح‌جویانه بحران شرق میانه، پشتیبانی خود را از دایر شدن کنفرانس بین‌المللی دوم، به غرض حمایت از ملت‌های عربی که از ۲۵- ۲۸ جنوری ۱۹۶۹ در قاهره انعقاد می‌یابد اعلان می‌دارد و دایر شدن این کنفرانس را وسیله‌یی جهت سوق دادن وسیع‌ترین بخش‌های افکار عامه جهان در جهت پشتیبانی مردم عرب و حقوق آن‌ها و پیدا نمودن راه حل صلح‌جویانه و عادلانه می‌پندارد.

تقاضای شورای جهانی صلح از اسامبله جهانی صلح

سال ۱۹۶۹ مصادف با بیستمین سالگرد تأسیس جنبش جهانی صلح می‌باشد. فریدریک ژولیو کوری رئیس مؤسس جنبش جهانی صلح اعلان نمود: ((هیچ ملتی، هیچ فردی نمی‌تواند به تنهائی از جنگ جلوگیری نماید. تنها مردمان تمام ملت‌ها می‌توانند با عمل دسته جمعی خود این مقصد را بدست آورند.))

ما بیست سال قبل اصول اساسی این جنبش را که بارها تائید شده طرح نمودیم.

اصول مذکور عبارتند از:

- منع قرار دادن تمام اسلحه دارای قدرت تخریبی کتلوی و خاتمه دادن به مسابقه تسلیحاتی، از بین بردن پایگاه‌های خارجی، خل سلاح عمومی همزمان و تحت کنترول؛
- امحای همه اشکال استعمار و تبعیض نژادی؛
- احترام به حق حاکمیت و استقلال ملت‌ها، به حیث یک امر ضروری برای استقرار صلح؛
- احترام به تمامیت ارضی دولت‌ها؛
- عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها؛
- استقرار از مناسبات متقابل مفید در ساحات تجارتی و فرهنگی مبنی بر دوستی و احترام متقابل؛
- همزیستی مسالمت آمیز بین

(ص ۴)

درد دل مـــــــردم

یک نامه سرگشاده

از مأمورین وزارت زراعت

«به جریده مؤثر پرچم:

ازآنجایی‌که طرز برخورد واقع‌بینانه پرچم با وقایع و حوادث بی‌شمار داخلی و بین‌المللی، تحلیل و نتیجه گیری‌های درست آن ازین وقایع و حوادث، مبارزه پیگیر وبی امانش با دشمنان خلق‌های زحمتکش افغانستان، دفاع دلیرانه آن از منافع ملی کشور عزیز، خصومت آشتی ناپذیری‌اش با ستمگران داخلی و استعمار گران کهنه و نو، دفاع سرسختانه آن از حق و عدالت و بالاخره پیکار خستگی ناپذیری‌اش درراه تأمین دموکراسی، رفاه عمومی استقلال واقعی، ترقی و صلح بر ما مسلم گردانیده است که پرچم واقعاً ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان و وارث بلا استحقاق سنن پرافتخار مبارزات طولانی فرزندان رشید این مرز و بوم مرد خیز می‌باشد. بنا بران ما (یک تعداد مأمورین پایین رتبه وزارت زراعت و آبیاری) لازم دانستیم که مطلب آتی را به‌صورت خیلی مختصر در قید تحریر آورده به آن جریده محترم بفرستیم.

به تعقیب وقوع حریق مدحش و غیرمترقبه در کاخ تاریخی دارالامان مقامات حکومتی افغانستان به عقیده خود گویا تصمیم گرفته‌اند که دیگر آتش سوزی را در کلیه ابنیه تاریخی (اگر باقی مانده باشد) و عمارات دولتی موقوف (!) سازند. البته که این تصمیم حکومت ازلحاظ شکل عاقلانه محسوب می‌گردد و ما به آن اعتراضی نداریم اما شکل تطبیق این فیصله و تصمیم از طرف مقامات ذیصلاح وزارت زراعت و آبیاری در محوطه وزارت مذکور قابل توجه می‌باشد.

وزارت زراعت و آبیاری مطابق به هدایت مقام بالا مکتوب متحدالمالی عنوانی کلیه ریاست خانه‌ها صادر و در آن اکیداً متذکر شده‌اند که برای حفظ عمارت وزارت زراعت هر شب سه نفر مأمور (نوکریوال) به ترتیب تعین و این سه نفر موظف گردند تا شب را به داخل وزارت بسر آورده، مانع وقوع حریق احتمالی و حوادث ناگوار و غیره (!) گردند.

این تجویز وزارت زراعت و آبیاری عملی نیست زیرا: دفاتر و ملحقات وزارت زراعت و آبیاری مشتمل بر بیست الی سی عمارت یک الی چهار طبقه‌یی می‌باشد که جدا از هم، در هر کنج و کنار واقع گردیده‌اند. به این ترتیب که عمارت وزارت موصوف از حدود مشترک پوهنتون و شفاخانه علی آباد تا ساختمان‌های (جمال مینه) را اشغال کرده است که کثرت ساختمان‌ها از یک طرف و طرز وقوع نامنظم آن‌ها از جانب دیگر هر بیننده را در نگاه اول گیج و سردرگم می‌سازد. این ساختمان‌ها که اکثراً بدون نقشه دقیق اعمار گردیده‌اند، ازنظر تعداد و طرز وقوع نامنظم شان در ساحه تعمیر سازی (کوبیسم) خاصی را به وجود آورده‌اند.

گذشته از آن محوطه متعلق به وزارت زراعت و آبیاری، محوطه ایست بی‌در و پیکر که صرف نظر به از بعضی نقاط آن، عبور از سایر قسمت‌ها کار چندان مشکلی نمی‌باشد.

اکنون قضاوت به شما: آیا سه نفر نوکریوال ولو هم بسیار تندرست و تندرو باشند باز هم خواهند توانست که مانعی در برابر وقوع حریق و سرقت ایجاد نمایند؟ زیرا از یک سو وسعت ساحه وزارت که ده‌ها جریب زمین را احتوا می‌کند و از سوی دیگر پراگندگی بیش از حد عمارت، نظارت و پیهره داری دقیق را مشکل می‌سازد.

روشن است اگر نوکریوال نتواند (نه تنها سه نفر بلکه بیشتر از سه نفر نیز) ساختمان‌ها را دقیقاً کنترول و نظارت نماید، پس درین صورت نه وقوع حریق و نه وقوع سرقت هیچ‌کدام منتفی می‌گردد بلکه یگانه چیزی که منتفی می‌گردد و باید هم گردد. موضوع نوکریوالی خواهد بود و بس.

سؤالی که باید درین جا مطرح گردد این است که چرا اراکین وزارت زراعت و آبیاری دست به چنین اقدامی زده‌اند؟ جواب این سؤال را می‌توان بیک جمله خلاصه کرد: رفع مسؤولیت از خود و افگندن آن بدوش مأمورین فقیر و پایان رتبه.

این موضوع را همه مأمورین درک می‌نمایند که تحمیل نوکریوالی شب بالای آنان نه تنها غیرقانونی بلکه یک امر فوق‌العاده خطرناک و پر مسؤولیت می‌باشد.

جنبه حقوقی مسأله کاملاً روشن است و حاجت به توضیح مزید ندارد. درین مورد کافیست گفته شود که مأمورین ملکی در برابر معاش معین، وظایف معینی را که قانون آغاز و انجام آن را مطابق فصول سال طرح و تعین می‌دارد اجرا می‌نمایند. در بعضی موارد خاص مثلاً اگر کار یک شعبه و یا یک واحد اداری عقب می‌ماند مأمورین آن را در مقابل پرداخت حق‌العمل معین به (شب کاری) دعوت می‌نمایند و مبلغ معین شب کاری را برای شان می‌پردازند. در غیر آن مأمورین ملکی بعد از ختم ساعات رسمی کار درین مورد از هر نوع مسؤولیت مبرا هستند.

ناگفته نماند که چه این پیشنهاد قبول و چه رد گردد ولی ما به صدای بلند میگویم که این اقدام وزارت زراعت و آبیاری (!) مخالف قانون و غیرطبیعی است، زیرا وظیفه امنیت به عهده وزارت داخله است که ملیون‌ها افغانی دسترنج مردم بنام بودجه آن و ده‌ها شبکه دیگر مخالف منافع خلق به هدر صرف می‌گردد.

مردم علیه بیکاری فریاد می‌کشند:

چندی قبل والی جوزجان مجلسی ترتیب و اعلان کردند که اهالی شبرغان (!) سرک شبرغان به‌صورت همکاری ترمیم می‌کنند، یکی از دوستان بما نوشته است که »خلاف قانون اساسی عمل می‌کنند و با این کاری که خاصه بیروکراتان است نام »بیکار «را »همکاری «می‌گذارند و باکی از زور و بازخواست ندارند.«

قرار معلوم اهالی شبرغان فریاد می‌زنند: »ما بیکار را قبول نداریم! « اما تا کنون بیداد بر فریاد غلبه دارد و وعده چند تن »چکمن سپید «که خود از هر گونه کار اجباری معافند، در نزد پیروگرایان معنای »قتول «مردم را دارد.

* * *

در برابر دهقانان

دسیسه می‌کنند:

در اثر فشار و مطالبه طولانی دهقانان، دولت قیمت پخته را برای سال جاری از (۵۰) افغانی به (۷۳) افغانی بالا برد، یعنی شرکت‌های صادرکننده پخته مکلف شدند تا در برابر یک سیر پخته سورت اعلی (۷۳) افغانی بپردازند، یکی از زارعین پخته کار شبرغان درین مورد نوشته است: تا امروز (۳ جدی) در نمایندگی‌های سه شرکت بزرگ پولی به‌منظور خریداری پخته نرسیده است و تمام خریداری شرکت‌ها که قبل براین صورت گرفته از سه صد هزار افغانی تجاوز نمی‌کند. این خریداری به‌تناسب سال‌های گذشته خیلی و خیلی ناچیز است. معنی نه خریدن پخته آن است که دهقانان کم زمین و اجاره داران بی‌زمین در اثر فقدان تقاضا حاضر خواهند شد که پخته رابه همان قیمت گذشته عرضه کنند.

پرچم: این است معنی اصلاحات طبقات حاکمه (!)

فقدان پطرول و مصلح مردم را به خطر انداخته است

دوستی از ولایت جوزجان نوشته می‌کند: قلت شدید پطرول و دیزل در تانک‌ها ولایت جوزجان باعث مشکلات زیادی برای مردم گردیده است. او این مشکلات را چنین شمرده است:

- کرایه موتر که قبل برین از (۵) الی (۱۰) افغانی بود، اکنون به ۴۵ افغانی رسیده است و به‌صورت مشخص کرایه موتر از شبرغان الی مزار شریف که قبلاً (۶۰ -۷۰) افغانی بود، اکنون به ۲۰۰-۱۵۰ افغانی و اخیراً به ۳۰۰ افغانی رسیده است.

- چون ماشین تولید برق شبرغان با دیزل کار می‌کند، برق شهر قطع شده و اهالی در تاریکی مانده‌اند.

از (ص ۲)

هنر و نقش آن در زنده گی ...

از وظایف انقلابی عصر آفرین و دوران‌ساز طبقه‌شان که واقعیتی است سرسخت و انکار ناپذیر به انعکاس غیرعادی و تحریف شده واقعیت توهم و فرد پرستی معطوف سازد و بالاخره با ایجاد و نضج عنصر وهم خیال‌پروری خودخواهی و تجمل پسندی، هوس‌بازی و هر دم خیالی در ایشان از اتحاد و مبارزه آنان در برابر طبقات حاکمه تاریخ زده و استثمار گر جلوگیری به عمل آورد چنانچه همین اکنون هنر ارتجاعی بورژوائی که از حرکت در جهت تکامل عینی زندگانی اجتماعی بازمانده در موضع خدمت با استحکام پایه‌های لرزان نظام متزلزل امپریالیستی توقف کرده است و مذبوحانه تلاش می‌ورزد روحیه اتحاد و نیروی مبارزه طبقه کارگر و خلق زحمتکش را در درون جوامع سرمایه‌داری خفه کند و اعتماد آن‌ها را نسبت به زحمتکشان کشور دیگر تضعیف نماید صفات نیکوهیده وعدم احترام توده‌ها را در آنان برانگیزد.

باوجود این، در انبوه پدیده‌های هنری هر دوره در جوامع طبقاتی می‌توان به آثار فناناپذیری برخورد که ازلحاظ مضمون خود می‌تواند خصوصیات جودانی و متعلق به تمام بشریت را که در دوران‌های مختلف حیات اجتماعی جزئی هستی انسان‌هاست، به‌درستی و روشنی منعکس سازد. آثاری وجود دارد که بامطالعه آن‌ها می‌توان ماهیت دور آن‌ها طبقات مختلف را درک کرد مانند: حجاری‌ها و مجسمه سازی‌های یونان باستان، شاهکاری‌های نقاشی دوران رنسانس اروپا و... که فن‌هاست در گنجینه فرهنگ بشری مقام ارزنده خود را حفظ کرده است.

بهترین و پیگیرترین حفظ و تکامل میراث معنوی گذشته، طبقه پیشتاز کارگر است که منافع آن با جریان تکامل عینی واقعیت کاملاً انطباق دارد و با ایجاد ایدیولوژی و از جمله هنر خویش، نه تنها دست آورد های گذشته فکری بشر را مرود نمی‌شمارد، بلکه آن را پایه و اساس تکامل هنر خود قرار می‌دهد و با برخورد نقادانه به آن عناصر زنده و فعال، متحرک و با متن آن را به خدمت غنا و انکشاف پدیده‌های هنری دوران خود می‌گمارد و تمام آنچه را که از گذشته زیبا و مترقی‌ست در خود حفظ می‌کند. در همین جاست که پهلوی دیگر و مثبت استقلال نسبی هنر بهتر از هر دوره دیگر متبارز می‌گردد و آن ادامه کاری و تکامل آن است.

جهت دیگر و خیلی مهم متحرک استقلال نسبی هنر درین است که در شرایط معینی می‌تواند بر تکامل زندگانی اجتماعی سبقت جوید.

این نتیجه کار دقیق هنرمند ژرف کار و ژرف اندیشی است که وظیفه خیش را در قبال حیات اجتماعی به‌درستی درک کرده است و هنرش کاملاً جامعه را در مسیر آینده تکامل به‌سوی افق‌های وسیع و پرفروغی که برای اشخاص عادی قابل روئیت نیست فرامی‌خواند. هنرمندی که قانونمندی تکامل طبیعت و جامعه را دقیقاً درک کرده است و آینده انسان‌ها را با اساس این درک و تسلط بر قوانین طبیعت و جامعه در جهات عمومی تکامل تاریخی به‌روشنی و صداقت زیبا و ظریف تصویر و تمثیل می‌کند و همه را با گرمی و محبت، صمیمانه به‌سوی آن دعوت می‌نماید.

و اما:

هنرمند در جامعه طبقاتی وقتی می‌تواند به چنین سلاح نیرومند و قدرت محرکه خلاق مجهز شود که جهان بینی علمی متحرک‌ترین و بیشترین نیروی اجتماعی، یعنی طبقه کارگر و خلق زحمت کش را محک احساس و رهنمای اندیشه خویش قرار دهد و بجهان و واقعیت‌های عینی آن از نظرگاه ایدیولوژی این طبقه جهان ساز نگاه کند، آن را عمیقانه و درست انعکاس دهد. هنرش با خلق کارگر وزندگی او رابطه ناگسستنی و ارگانیک برقرار نماید و در جهت منافع طبقه کارگر و تمام زحمت کشان موضع گیری استوار و خلل ناپذیری داشته باشد. و از گنجینه‌های هنری گذشته، آنچه عالی و مترقیست برگزیند و این همه را با سنت‌های مترقی فرهنگ بشری و فرحت و ذوق ایجاد گر و نو آفرین خویش ترکیب و به جامعه تقدیم کند. آنگاه می‌تواند با غرور سالم یک هنرمند پیشرو و به جرئت ادعا نماید که هنرش خلاق پیش‌آهنگ سازنده است، به خلق تعلق دارد و ریشه‌های عمیقی از قلب توده‌های وسیع زحمت کشان آب می‌خورد. برای توده‌ها قابل درک و محبوب است، احساس، فکر و اراده توده‌ها را متحد ساخته و آن‌ها را به درجه بالاتری ارتقا می‌دهد.

این بود تألیفی بس فشرده و ارتحالی از نظریات علمی مترقی در باره هنر و نقش آن در زندگی و مبارزه اجتماعی بر مبنای جهان بینی علمی. امید است در آینده متنی برین مقدمه که برای درک مسایل اجتماعی هنر ضرور ی شمرده می‌شود از نابسامانی هنر در کشور خویش و عوامل اجتماعی آن سخن گوییم.

پرچم

د افغانستان دخلک دموکراتیک افکارو خپرونکی

۲۳ جدی ۱۳۴۷

رویدادهای مهم

جهان در هفته گذشته

بروسل: انجمن بین‌المللی حقوق‌دانان دموکراتیک طی مکتوبی عنوانی سر منشی ملل متحد، زمامداران اسرائیل و رئیس جمهور لبنان، خشم خود را راجع به حمله تحریک آمیز اسرائیل بر میدان هوائی بیروت اظهار داشتند. انجمن این عمل اسرائیل را تخلف سریع از منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌الدول خوانده، تقاضا می‌نماید که باید خسارات وارده از طرف اسرائیل جبران و فیصله نامه ۲۲ نوامبر سال ۱۹۶۷ به معرض اجرا گذارده شود.

* * *

ماسکو: جلسه مشاورتی نیروهای صلح دوست جهان راجع به ویتنام کار سه روزه خود را به پایان رسانید. درین جلسه که نمایندگان ۵۲ کشور و ۱۹ سازمان بین‌المللی اشتراک ورزیده بودند، راجع به پهلوهای مختلف جنگ ویتنام، طرق و شیوه‌های مبارزه به غرض اعاده صلح ویتنام بحث به عمل آمد. شرکت کنندگان پروگرام مشخص عمل را برای خاتمه دادن به تجاوز امپریالیزم در جنوب شرق آسیا طرح کردند.

* * *

بن: تمام سازمان‌های مترقی آلمان غرب طی نامه‌یی از حکومت آلمان فدرال تقاضا نمودند که هرچه زودتر حزب نیونازیزم (حزب دموکرات ملی) را غیرقانونی اعلام کند، زیرا اعضای این حزب عبارت از همان فاشیست‌های هستند که ۳۰ سال قبل جهان را بجنگ خونین کشانید. فعالیت این حزب به ضرر استقلال و تمامیت ارضی آلمان است.

* * *

نیویارک:

یعقوب مالک نماینده دایمی شوروی در ملل متحد، کانوانسیون بین‌المللی‌ای را به امضا رسانید که طبق آن مجرمین جنگ و عاملین جنایات علیه بشریت بدون در نظر گرفتن حدود مرز و زمان تعقیب و مجازات گردند. اسامبله عمومی ملل متحد در بیست و سومین دوره اجلاسیه خویش این فیصله را راجع به مجرمین جنگ دوم جهانی به تصویب رسانید. تا هیچ یک از جنایت کار نازی بدون مجازات نماند.

* * *

نیویارک: اعتصاب بزرگ کارگران نفت امریکا آغاز گردید.

کارگران خواهان بیست فیصد ازدیاد مزد می‌باشند.

* * *

واشگتن: به تعقیب اعتصاب کارگران نفت امریکا کار گران بنا در بحری امریکا نیز دست به اعتصاب زدند.

* * *

نیویارک: اعتصاب و مظاهرات پوهنتون سان فرانسسکو ادامه دارد. قرار معلوم این چهارمین بار است که پوهنتون باز و بسته می‌شود. در زد و خورد اخیری که بین محصلین و پولیس رخ داد ۱۸ محصل و ۴ نفر پولیس زخمی شدند.

رد اعلان شرکت نساجی

افغان

جریده »خیبر «در شماره (۷ جدی سال ۱۳۴۷) خویش فاعلانی از شرکت نساجی افغان انتشار داد. درین اعلان مذبوحانه تلاش کرده‌اند تا به‌اصطلاح آفتاب را با دو انگشت پنهان کنند و تظاهرات، اعتصابات و مبارزات اقتصادی و صنفی هزاران نفر از کارگران، دهقانان و روشنفکران وطن‌پرست ولایات کاپیسا و پروان را که بیش از یک ماه ادامه یافت، تحریک چند تن، با اصطلاح خودشان و اشخاص ناسالم و استفاده جو، وانمود نمایند.

مایک بار دیگر خاطر نشان می‌نمایم که مضمون متن یک سند موثق، منتشره جریده پرچم، هنوز هم نوشته و سندیست موثق و پابرجا که امضا کنندگان آن وکلا و والیان کاپیسا و پروان بوده ویکی از اسناد معتبر مبارزات قانونی و مسالمت آمیز کارگران گلبهار درین مرحله بشمار می‌رود. در مورد مقدمه این سند، پرچم داران دموکراتیک خلق افغانستان باز هم با شجاعت کامل پافشاری می‌نمایند که کارفرمایان شرکت نساجی افغان با تمام قوا از کلیه وسایل ممکنه اعم از تخویف، تهدید تطمیع، تبلیغ، تفرقه افگنی و اخراج کارگران استفاده کرده، به کمک بیروکرات‌های فاسد، متنفذین و مرتجعین محلی و به شیوه استبداد قرون وسطایی، آرمان‌های والای خلق کارگر، خاصه زحمت کشان ولایات پروان و کاپیسا را زیر پا نهادند و حقانیت تظاهرات، اجتماعات و مبارزات مسالمت آمیز کار گران را غیرقانونی، نامطلوب و ماجراجویانه وانمود کردند و کارگران آگاه و نجیب را علی الرغم موازین قانون و ضد آزادی‌های مصرحه در قانون اساسی کشور از کار اخراج و عبدالقدوس کارگر شریف وطن‌پرست را که وکیل کارگران فابریکه نساجی گلبهار بود، از کار طرد و به زندان افگندند که تا هنوز در قیدوبند ارتجاع، در دشوارترین شرایطی با سر بلندی و افتخار بسر می‌برد.

پرچمداران دموکراتیک خلق با نشر »سند موثق «که قبلاً به امضای وکیلان کاپیسا و پروان و یک عده از وکلای دیگر ولسی‌جرگه و والیان ولایات مذکور، مبنی بر قانونی بودن اعتصابات مظاهرات کارگران و مطالبات شان و همچنان لزوم برکناری چهار تن از مأمورین بزرگ نساجی به خوانندگان ارجمند خویش تقدیم کرده است. ضرورتی به این احساس نمی‌کند که یکبار دیگر با توجه به متن پر از تناقض اعلان نساجی و اعترافات غیر شعوری آن مؤسسه به اجرای اعمال ضد قانون اساسی (بخصوص مواد ۲۳ و ۱۰۳) و ضد حقوق و آزادی‌های دموکراتیک کارگران در اعلان مذکور، به توضیح بیشتر آنچه همه می‌دانند ببرازند.

لذا یکبار دیگر نبشته قبلی و متن »سند موثق «منتشره در جریده پرچم را جدا تائید و به اعمال کارفرمایان نساجی افغان و متحدان شان اعتراض می‌کند و اعلان شرکت نساجی افغان را رد می‌نماید.

نرس‌های وزیر اکبر خان روغتون در برابر رویه نادرست آمران اعتصاب کردند

خبریال پرچم اطلاع می‌دهد که بروز (۱۸) جدی نرس‌های وزیر اکبر خان روغتون در برابر رویه نادرست آمران شفاخانه به‌عنوان اعتراض دست به اعتصاب زده و بعداً به‌صورت تظاهر راه وزارت صحیه را در پیش گرفتند.

خبر می‌افزاید که نرس‌های وزیر اکبر خان روغتون مطالبات آتی را در برابر وزارت صحیه ارائه کرده‌اند:

- تطبیق ماده (۲۵) قانون اساسی که می‌گوید: تمام مردم افغانستان بدون تبعیض در برابر قانون حقوق و وظایف مساوی دارند.
- احترام گذاشتن به کرامت انسانی و حرمت نرس‌ها طبق قانون اساسی.
- باید آن عده اشخاص که خلاف احکام قانون اساسی، به کرامت انسانی و حیثیت فردی نرس‌ها تعرض نموده‌اند از آنان رسماً عفو بخواهند.
- اعاده حقوق قانونی تمام نرس‌ها اعم از اعاشه البسه و غیره.
- تجدید نظر جدی و تشکیلات اداری روغتون و جلوگیری از بی‌عدالتی‌ها و سوئی استفاده‌ها.
- جلوگیری از خویش خوری‌ها و تعصبات دیگر.

تا برآورده شدن خواست بالا ما نرس‌های وزیر اکبر خان روغتون کمافی السابق به وظیفه مقدس خویش ادامه داده و در صورت رد شدن این خواست‌های ضروری و قانونی به غرض حصول حقوق حقه خود به اجتماعات و اعتصاب‌های قانونی طبق ماده سی دوم دوام خواهیم داد.

اسناد شورای صلح ...

دولت‌های دارای سیستم‌های سیاسی مختلف؛

- بکار بردن پالیسی مذاکره به غرض حل اختلافات بین ملت‌ها بجای سیاست زور.

کمیته رئیسه شورای جهانی صلح، امروز یک بار دیگر ایمان راسخ خود را به این اصول اعلام می‌دارد و خود را مکلف می‌دانند که اصول مذکور را حفظ و تقویه نماید.

هر کسی با این اصول و هریک از مقاصد این جنبش موافقت دارد، می‌تواند بدون تبعیض و استثنا، با مساوات تام با دیگران در آن سهم بگیرد.

چه در داخل و چه در خارج جنبش نظرات زیادی وجود دارد. هر کسی که از صلح پشتیبانی می‌کند می‌تواند نقاط نظر خود را آزادانه و بدون قید و شرط پیش کند. جنبش صلح پیوسته سعی می‌ورزد همکاری خود را با تمام سازمان‌ها و نیروهای دیگر صلح تقویت بخشد. هر نوع ابتکار درراه عمل مشترک به خاطر صلح را تشویق و پشتیبانی می‌نماید. به رهنمایی این اصول است که جنبش صلح در سرتاسر جهان پهن گردیده است.

جنبش صلح به مردمانی که علیه اشکال مختلف ستمگری مبارزه می‌کنند هر جا که باشند نیرو وامید تازه می‌بخشد و افکار عامه را به حیث آله عمده عمل آن تقویت می‌نماید.

نظر به پرابلم هایی که به آن مواجه می‌باشیم برانگیختن افکار عامه جهان در هیچ وقت دیگر به‌اندازه امروز یک امر ضروری بوده است.

مبارزه قهرمانانه مردم ویتنام در شمال و جنوب، که از پشتیبانی افکار عامه جهان برخورداراست، در قطع بمباردمان بر تمام خاک جمهوری دموکراتیک ویتنام به پیروزی درخشانی علیه متجاوزین نایل گردید.

ولی هنوز کارهای زیادی در پیشروست که باید اجرا گردد.

نتنها با بیرون کشیدن مکمل قوای ولایات متحده امریکا و متحدان آن و به رسمیت شناختن کامل جبهه آزادی‌بخش ملی به حیث نماینده مردم ویتنام جنوبی که مردم ویتنام می‌توانند حق تعین سرنوشت آینده‌شان را بدست آورند.

مسلح کردن مجدد آلمان فدرال و امتناع آن کشور از شناسایی سرحدات فعلی و انکار از وجود دو آلمان و پشتیبانی ایالات متحده امریکا و دیگر کشورهای عضو ناتو از موقف آن علت اساسی کشیدگی اوضاع در اروپا می‌باشد که رشد نیونازیزم و ادعاهای ارضی علیه دیگر کشورهای اروپائی و سرباز زدن از امضای قرارداد منع انتشار سلاح زروی به وخامت آن افزوده است.

خاتمه دادن به این سیاست مانع عمده‌یی را از سر راه آغاز یک دوران صلح در اروپا از بین خواهد برد و حصول یک سیستم امنیت دسته جمعی را توأم با انحلال همزمان اتحادیه‌های نظامی ممکن خواهد ساخت.

در شرق میانه اشغال سرزمین‌های مربوط به کشورهای عربی از طرف اسرائیل که درنتیجه جنگ ۱۹۶۷ تصرف نموده است، اخراج مهاجرین و شکنجه نمودن عرب‌های که در مناطق تحت اشغال بسر می‌برند بشدت سابق ادامه دارد.

به غرض جلوگیری از تصادمات جدید ضروریست که فیصله نامه ۲۲ نوامبر سال ۱۹۶۷ شورای امنیت که بیرون کشیدن قوای اسرائیل را از مناطق تحت اشغال و اتخاذ تدابیر جهت حفظ حقوق و امنیت تمام دول و ملل این منطقه را تقاضا نماید به‌طور مکمل اجرا گردد.

مردم آسیا، افریقا و امریکای لاتین در مبارزه‌شان علیه امپریالیزم به خاطر آزادی خویش از بقایای استعمار با تمام اشکال آن نیازمند پشتیبانی می‌باشند. بخصوص مردم امریکای لاتین در مخالفت شان با دیکتاتوری‌های ارتجاعی ایکه منافع امپریالیستی ایالات متحده امریکا بر آن‌ها تحمیل می‌نماید، در افریقا خاصتاً در قسمت‌های جنوبی آن قاره، در مبارزه با رژیم‌های نژاد پرست و استعماری که از طرف نیروهای امپریالیستی پشتیبانی می‌شوند، و مردم آسیا در مبارزه علیه تجاوز مستقیم امپریالیزم، نیازمند کمک می‌باشند.

برای پیروزی در تمام این‌ها و بسیاری مسایل دیگری که برای صلح اهمیت حیاتی دارد حد اعظم وحدت عمل و تفاهم متقابل ضروریست. گرچه بین پشتیبانان صلح اختلاف در نقاط نظر وجود دارد، ولی کار کردن به خاطر صلح در انحصار هیچ کدام از آن‌ها نیست. ازآنجایی که اهداف مشترک است اختلاف در برخورد مانع موافقت راجع به فعالیت مشترک نمی‌گردد.

مباحثه آزاد منجر به تفاهم متقابل و اهداف مشترک و منتج به عمل مشترک می‌گردد.

شورای جهانی صلح همیشه با این روحیه کارکرده است. شورای جهانی صلح به غرض مقابله با پرابلم های مبرم روز از تمام سازمان‌ها، گروپ‌ها و افرادی که برای صلح کار می‌کنند دعوت می‌نماید که دست‌ها را بهم بدهند و در تشکیل یک اسامبله بزرگ جهانی برای صلح که در جون سال ۱۹۶۹ در برلین دایر خواهد شد و طرق همکاری و عمل مشترک بین نیروهای صلح را مورد بحث قرار می‌دهد سهم بگیرند.

از اشتراک کنندگان استقبال می‌گردد، به همه آن‌هایی جای و فرصت مساوی داده می‌شود تا نقاط نظر مختلف خود را اظهار دارند.

بیایید برای تفاهم متقابل تأمین وحدت بین خود، به خاطر اهداف بزرگی که متضمن آرزوهای صلحجویانه بشریت است، همکاری نماییم.

«کمیته رئیسه شورای جهانی صلح، لاهیتی (فنلند)، ۱۳ نومبر ۱۹۶۸»

رویه غیر عادلانه و ضد قانونی

در مورد عبدالروف (زلمی) کارگر نساجی . مطابع دولتی .

خوانندگان ارجمند پرچم به‌درستی می‌دانند که نخستین امواج جریان پیشتاز نهضت کارگری کشور که همزمان با برگزاری روز اول می (ثور ۱۳۴۷) آغاز شد در اندک مدت سراسر کشور را فرا گرفت و کارگران حوزه‌های مختلف کارگری برای احقاق حقوق مسلم اقتصادی خویش بیک سلسله اعتصابات و تظاهرات قانونی دست زدند.



شاغلی عبدالرؤف زلمی .

کارگران شریف و زحمت کش مطابع دولتی هم به تأسی ازین سنت قانونی کارگری، به غرض تأمین حقوق اقتصادی خویش دست به اعتصاب زدند. ریاست مطابع خواست‌های کارگران را در همان وقت تائید کرد و وعده داد که در راه برآوردن آن مجاهدت می‌نماید. پرچم نیز این جریان را با تعهد ریاست مطابع برای تأمین مطالبات کارگران بیک سلسله اقدامات دست زد؛ که این خود حقانیت و قانونیت خواست‌های کارگران را تائید می‌کند.

معهذا مقامات امنی (!) دستگاه حاکمه، خلاف ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی و قانون کار و کارگر، یکتن از کارگران جوان و صدیق شعبه صحافی مطبعه شاغلی عبدالروف (زلمی) را بدون حکم محکمه باصلاحیتی به‌عنوان محرک (!) اعتصاب زندانی ساخت (زلمی) بیشتر از هفت ماه در سلول زندان بسر برده تا بالاخره بدون اینکه شاغلی عبالروف زلمی به‌صورت علنی محاکمه شود و مطابق به‌حکم قانون اساسی عمل گردد، به‌صورت خودسرانه و مضحکه آمیز بعد از گذشتاندن بیشتر از هفت ماه در زندان به سه ماه حبس و دو هزار افغانی جریمه نقدی محکوم و به قید ضمانت از زندان رها گردید. ولی هنوز هم سرنوشت او در جریان این طرزالعمل ضد قانونی و غیر دموکراتیک نامعلوم و مجهول است.

«جبهه ملی»

بروز چهارشنبه (۱۸) جدی نخستین شماره جریده‌یی بنام »جبهه ملی «با امتیاز و مسئولیت شاغلی عبدالرب اخلاق در کابل نشر شد.

پرچم: آرزو می‌کند که این جریده واقعاً بتواند مطابق به‌عنوان خود، از ایجاد جبهه متحد دموکراتیک ملی واقعی ضد ارتجاع و ضد امپریالیزم پشتیبانی کند و وطن‌پرست سهم مثبتی ایفا نماید.

زیار کښنو ملګرو ته

ای ملګرو زماد عقید ی!
زما دغم په شپو کی ددیری!
زما په ترل نو کی دامی،
خلکو په مور چل کی دجګړی!
*** * ***
لاس کی جلبونه دطوفان
پښو لاندی اسونه حاد ی
هر قدم خطر دغر قیدو
شاو خوا او رو نه دفتنی
هر آواز دتا لندی دمرګ
هر نفس سرکشی زلزلی
سر کی یر غلونه دیری
ستر ګوکی پرښنا دغلبی
*** * ***
مړه مشرق له شانه غلی غلی
څو کی را ښکارږیږی دلمبو
بیا د شپو وهلو غرو په څندو
سره رڼا خو ریږی دسپیدو
پښو کی دپیوړی داسیرانو
بند په بند خنځر په متیدو
ورانو دیوا لو کی دبزګرو
شور دآزادی په خوریدو
شپه دلو ټماری په تیر یدو
لمر دعدالت په را ختو
*** * ***
مه بخشی ء مورِ ای کارګروخلکو
مورِ لا کله ووِیو د بخشلو
مه بخشی ء مو. ای کارګرو خلکو
مو. لاکله وریو دبختلو
ّپاتی ستاسو لا رکی لا په موږه
حق دلو کید لو سو څید لو
حق دتیریدو له خپله ژونده
سوباندی داور دچلو لو
حق دزو لنو شرونکولو
حق دشکران وتو شو لو.
سلیمان لایق

د قندهار ښار کښی مظاهره

د پرچم خبریال دقندهار له ښار څخه دپنجشنبی په ورځ دجدی په ۱۹ نیټه د ځمکو د سروی د ښونځی باشعوره زده کونکو د خپلو قانونی غښتنو د لاسه راوستلو په مناسبت د تیرو قانونی اقداماتو په لړ کی په اعتصاب اومظاهره لاس پوری کړ. د دی مظاهری تفصیل به په راتلونکی ګنه کی خپور شی.

پرچم

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر: سلیمان لایق

پته: زرلښت ماکیت محمد جانخان واټ

د تیلفون لمبر: ۲۳۱۶۴

د یوی ګنی بیه ۵۰/۲، افغانی

تایپ متن میر کامور و ذکریا و ویرایش جدید: عمر فیض

مطبعه دولتی